

واکاوی انواع تربیت با تکیه بر سوره لقمان

معصومه فتحی^۱

چکیده:

انسان موجودی سرشار از توانایی ها است که باید در روند تربیت به مرحله ی ظهور برسد. تربیت اساس و پایه یک جامعه است. با توجه به اهمیت تربیت فرزندان در نسل حاضر ضرورت ایجاد می کند که نسبت به این مسأله بی تفاوت نبوده و با استعانت از شیوه های تربیتی قرآن کریم به ویژه سوره ی لقمان که بهترین روشهای تربیتی در آن نهفته است، در جهت تربیت فرزندان خود از آن استفاده نماییم. این تحقیق با هدف شناخت شیوه های تربیتی سوره لقمان انجام گردید و در آن تلاش شده تا به این سوال پاسخ داده شود که شیوه های تربیتی به کار رفته در سوره لقمان چیست؟ این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی و روش به کار رفته در آن اسنادی است، ابزار گردآوری داده ها، فیش می باشد. سوره ی لقمان حاوی نکات تربیتی مهمی نظیر: خداپرستی، نهی از شرک، احسان به پدر و مادر، دوری از تقلید و اطاعت کورکورانه، احسان به والدین، یادآوری از حسابرسی در قیامت، برپایی نماز، امر به معروف و نهی از منکر، صبر و شکیبایی در برابر مصائب و مشکلات، دوری از تکبر، اعتدال و میانه روی، بی اعتنائی نکردن به مردم و پرهیز از افراط و تفریط (در راه رفتن و در صوت) می باشد.

کلید واژه ها:

تربیت فرزند، سبک های تربیتی، سوره لقمان، مفهوم تربیت

مقدمه:

در عصر حاضر، نظام های تربیتی با چالش های متعددی روبرو هستند. از یک سو، جهانی شدن و گسترش فرهنگ های مختلف، ارزش های سنتی و بومی را تحت تأثیر قرار داده است. از سوی دیگر، پیشرفت های علمی و فناوری، سبک زندگی و الگوهای ارتباطی خانواده ها را دگرگون ساخته است. در این میان، تربیت صحیح فرزندان، یکی از مهم ترین وظایف والدین و از عوامل اساسی در سعادت فردی و اجتماعی است. یکی از غنی ترین منابع برای کشف اصول تربیت صحیح، قرآن کریم است. سوره لقمان حاوی نکات ارزشمندی در زمینه تربیت است. این سوره نه تنها به ابعاد اخلاقی و معنوی تربیت می پردازد، بلکه توصیه های برای رفتار اجتماعی، شکرگزاری، پرهیز از شرک، اقامه نماز، امر به معروف و نهی از منکر و صبر در برابر مشکلات را نیز در

طلبه سطح دو حوزه علمیه معصومیه قیدار masoumehfathi1369@gmail.com¹

برمی گیرد. اگرچه مخاطب این نصایح فرزند است و از زبان پدری حکیم بیان می شود، اما روح حاکم بر این آموزه ها، جوهره تربیت اصیل دینی را تشکیل می دهد که در هر زمان و مکانی توسط والدین، قابل پیاده سازی و الگو برداری است.

ضرورت پرداختن به این موضوع از چند منظر قابل تبیین است:

1. نبود الگوی جامع و عملی: در عصر حاضر، با وجود انبوه منابع تربیتی، انسان ها اغلب با سردرگمی در انتخاب روش های صحیح و جامع تربیتی مواجه اند. بسیاری از الگوهای رایج، تک بعدی بوده و یا ریشه های فرهنگی و دینی ما را نادیده می گیرند. این مقاله با برجسته کردن سوره لقمان، الگویی منسجم، متعالی و در عین حال عملی ارائه می دهد که می تواند به عنوان یک نقشه راه برای انسان ها عمل کند.

2. تضمین سلامت روانی و اخلاقی جامعه: تربیت صحیح نسل آینده، ضامن سلامت روانی، اخلاقی و اجتماعی هر جامعه ای است. با تربیت فرزندان بر پایه ارزش های قرآنی، که سوره لقمان به زیبایی آن ها را تبیین کرده، می توان از بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی پیشگیری کرده و شهروندانی مسئولیت پذیر، با ایمان و اخلاق مدار پرورش داد.

این مقاله با تحلیل محتوایی سوره لقمان و استخراج اصول و روش های تربیتی آن، تلاش می کند تا راهکارهایی برای انسانها ارائه دهد تا با الهام از حکمت لقمان، فرزندان صالح و موفق را برای آینده پرورش دهند.

در این راستا کتاب ها و مقالات متعدد به بررسی ابعاد مختلف این موضوع پرداخته اند، از جمله «مقاله تربیت فرزند با توجه به سوره لقمان (صادقی پور، 1402)»، «مقاله نقش مادر در تربیت فرزند از منظر قرآن (حسینی نودادی، 1400)» و «کتاب نقش مادر در تربیت دینی فرزندان (حسینی نژاد، 1399)» را می توان نام برد. نیاز به تبیین و ترویج اصول و مبانی تربیت قرآنی در جامعه، لزوم توجه به نکات تربیتی و ارائه راهکارهای مناسب برای آن، دلیل بر اهمیت و ضرورت این تحقیق دارد. در این میان سوالی که مطرح می شود این است که انواع تربیت در سوره لقمان چیست؟ چه نکته های تربیتی می توان از سوره لقمان برداشت نمود؟ هدف اصلی این پژوهش واکاوی نکته های تربیتی با تکیه بر سوره ی لقمان می باشد.

مفهوم شناسی:

تربیت:

واژه «تربیت»، مصدر باب تفعیل، از ریشه «ربو» و در لغت به معنای رشد، افزایش یافتن و اصلاح چیزی آمده است. ابن منظور می‌گوید: «تربیت، از «ربو» به معنای زیادت، رشد، نمو و نگه داری است»^۲ «تربیت» مترادف «تزکیه» (مهار طغیان های نفسانی برای عقل ورزی صحیح و بروز توانایی ها) و مشابه «هدایت» (دلالت و نشان دادن هدف به وسیله نشان دادن راه) است.^۳ «تربیت» یعنی آنچه را که از کمال و جمال ممکن است در اختیار روح و جسم قرار دادن.^۴ از قوه به فعل رسانیدن استعداد های نهفته و فطرت انسان در جهت الهی شدن او.^۵ راغب اصفهانی، تربیت را «تغییر تدریجی امری می‌داند، به گونه ای که آن چیز به حد تمام برسد.»^۶ ابن فارس نیز معتقد است: «اقدام بر اصلاح چیزی را تربیت می‌گویند.»^۷ تربیت، به معنای پرورش دادن استعداد های درونی ای که بالقوه در یک موجود است، می‌باشد؛ یعنی آن توانایی های بالقوه را به فعلیت برساند.^۸ برخی دیگر از صاحب نظران نیز تربیت را این گونه تعریف کرده اند: «تربیت؛ یعنی پرورش دادن استعداد های مادی و معنوی و هدایت آن به سوی کمالاتی که خداوند در وجود آدمی قرار داده است.»^۹ تربیت به معنای عام، پروراندن هر چیزی است به گونه ای که شایسته آن است. و این معنا جمادات، گیاهان، حیوانات و انسانها را شامل شده و نیز، در مورد پرورش جسم و روح بکار می‌رود.^{۱۰} از منظر شهید مطهری تربیت عبارت است از: «پرورش دادن، یعنی استعداد های درونی را که بالقوه در یک شی موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن. بنابراین با صنعت «ساختن» به معنی اینکه شی یا اشیایی را تحت یک نوع پیراستن ها و آراستن ها قرار می‌دهند و یا اجزاء و اشیایی را با هم ترکیب می‌کنند و نظمی میان شان برقرار می‌سازند، متفاوت است.»^{۱۱}

سوره لقمان:

^۲ ابن منظور، لسان العرب، «ماده ربو»

^۳ علامه طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۳۴

^۴ قرشی، نظام تربیتی اسلام، ص ۲۴

^۵ خمینی، صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۸

^۶ الراغب، المفردات فی غرایب القرآن، ۱۴۱۶ه.ق، «ماده رب»

^۷ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، «ماده رب»

^۸ مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۶

^۹ صانعی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۱

^{۱۰} معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ۷۷

^{۱۱} مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۵۶ و ۵۷

این سوره، مکی است و به مناسبت نام لقمان، که در تمام قرآن تنها دو بار، آن هم در این سوره آمده، لقمان نامیده شده است.^{۱۲} سوره لقمان سی و یکمین سوره از سوره های قرآن کریم است و دارای ۳۴ آیه می باشد. تمام آیات آن بنا به گفته ی ابن عباس درمکه نازل شده است بجز آیات ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ آن که در مدینه نازل شده است این سوره در جزء بیست و یکم قرآن قرار دارد. عدد آیات این سوره از نظر اهل حجاز سی و سه آیه و از نظر دیگران سی و چهار آیه می باشد. غرض این سوره به طوری که آغاز و انجام آن، و نیز سیاق تمامی آیات آن اشاره می کند، دعوت به توحید و ایقان و ایمان به معاد، و عمل به کلیات شرایع دین است. این سوره نازل شد تا اصول عقائد و کلیات شرایع حقه را بیان کند.^{۱۳} سوره لقمان در مجموع، پیام توحید، حکمت، معرفت و معاد را بیان می کند و فطرت بشری آدمیان را مورد خطاب قرار می دهد تا با توجه دادن به نعمت های الهی، به شناخت و اطاعت او گردن نهاده، به سعادت ابدی برسد.

برداشت های تربیتی در سوره لقمان:

سفارش نکات تربیتی این سوره در حکمت های علمی و عملی لقمان بیان شده. که در سفارش های لقمان، نه امر، سه نهی و هفت دلیل برای این امر و نهی آمده است:

نه امر شامل: ۱. نیکی به والدین ۲. تشکر از خدا و والدین ۳. مصاحبت همراه با نیکی به والدین ۴. پیروی از راه مؤمنان ۵. برپا داشتن نماز ۶. امر به معروف ۷. نهی از منکر ۸. اعتدال در حرکت ۹. پایین آوردن صدا در سخن گفتن.

سه نهی شامل ۱. نهی از شرک ۲. نهی از رویگردانی از مردم ۳. نهی از راه رفتن با تکبر.

هفت دلیل شامل: ۱. چون شکرگزاری انسان به سود خود اوست، پس شکرگزار باشید؛ ۲. چون شرک، ظلم بزرگی است، پس شرک نورزید؛ ۳. چون بازگشت همه به سوی اوست و باید پاسخ گو باشید، پس به والدین احترام بگذارید؛ ۴. چون خداوند بر همه چیز آگاه است باید، پس مواظب اعمال خود باشید؛ ۵. چون شکیبایی از کارهای بااهمیت است، پس صابر باشید؛ ۶. چون خداوند متکبران را دوست ندارد، پس تکبر نورزید؛ ۷. چون بدترین صداها صدای بلند خران است، پس صدای خود را بلند نکنید.^{۱۴}

پیام های تربیتی سوره لقمان:

^{۱۲} قرائتی، تفسیر نور، جلد ۹

^{۱۳} طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ش ۱۳۶۶

^{۱۴} قرائتی، تفسیر نور، ج ۹، ص ۳۷۰-۲۶۹

پیام های تربیتی که در سوره لقمان به آن ها اشاره شده است را میتوان به پیام های مربوط به مباحث اعتقادی، عبادی، اخلاقی، خانوادگی، اجتماعی تقسیم کرد:

1. تربیت اعتقادی:

اعتقادات بخشی از دین اسلام را تشکیل می دهند؛ از این رو دینداری یک فرد مسلمان در صورتی کامل و پذیرفتنی است که از نظر اعتقادی در سطح مقبولی باشد. افزون بر این، اعتقادات، پایه و اساس بخش های دیگر دین اسلام است.

1-1 تعلیم توحید و نہی از شرک:

یکتاپرستی (توحید) روشن ترین مسئله ای است که هر انسان به مقتضای ندای فطرت ناچار است به آن معتقد شود و در برابر آن، پاسخ مثبت بگوید. یکتاپرستی، اساس و ریشه ی تمام ادیان آسمانی است و دعوت تمام پیامبران روی این اساس بوده چنانکه لقمان حکیم نیز به این نکته توجه نموده و به فرزندش می فرماید: «پسرکم برای خدا شریک قائل مشو که شرک به خدا ستم بزرگی است».^{۱۵}

مایه ی اصلی و جوهره ی تعلیم و تربیت اسلامی توحید است و همه ی حرکت ها باید از اعتقاد به یگانگی خدا آغاز گردد و هر فرزندی حق دارد که از پدر و مادر و معلمش درس توحید و خداشناسی را فرا گیرد. لقمان پندهایش را از توحید شروع می کند زیرا توحید سرلوحه ی رسالت همه ی انبیا بزرگ تاریخ است. لقمان آینده نگر به فکر روزی است که نه مال سود می دهد و نه فرزندان و تنها سرمایه ی کارآمد، قلب سلیم است، از این رو فرزند خویش را از شرک باز می دارد و او را به سوی جهان روشن توحید رهنمون می شود تا دنیا و آخرت او را آباد سازد.

در جهان معاصر نیز که شرک مدرن گریبان گیر بشر شده است، مادران باید لقمان وار به فرزندان خود درس توحید دهند و آنان را موحد بار آورند.

2-1 توجه دادن به امور آخرت:

پس از توحید، اساسی ترین مسأله در آموزه های انبیا معاد است. ایمان به معاد یکی از ویژگی های افراد هدایت شده است. چنانکه خداوند متعال می فرماید: "کسانی که به آنچه بر تو فرو فرستادیم و به آنچه قبل از تو فرو

15 يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (لقمان، 13)

می کند بر وجوب شکر والدین، مانند شکر خدا، بلکه شکر والدین شکر خداست، چون منتهی به سفارش و امر خدای تعالی است، پس شکر پدر و مادر عبادت خدا و شکر اوست.^{۳۸} لقمان حکیم نیز پس از آموختن حکمت به فرزند خود می گوید: در برابر یک چنین نعمت بزرگ (پدر و مادر) که به وی رسیده است، شاکر و سپاسگزار باشد، زیرا شکر و سپاسگزاری نشانه ی معرفت و مقیاس درک و فهم و شایستگی انسان است. مادران نیز باید از لقمان حکیم الگو بگیرند و به فرزندان خود شاکر بودن را بیاموزند. آری اگر در این جا کوتاهی کنید در آن جا که تمام این حقوق و زحمات و خدمات مورد بررسی قرار می گیرد و مو به مو حساب می شود، باید از عهده حساب الهی در مورد شکر نعمت هایش، و هم چنین در مورد شکر نعمت وجود پدر و مادر و عواطف پاک و بی آلایش آن ها بر آئید.^{۳۹}

احترام به والدین یکی از اصول بنیادی در تربیت صحیح فرزندان است که تاثیر عمیقی بر رشد شخصیت و رفتارهای اجتماعی آن ها دارد. در آموزه های اسلامی، احترام به والدین نه تنها یک تکلیف اخلاقی، بلکه یک وظیفه دینی است که در آن رضایت خداوند نهفته است. والدین و بخصوص مادر باید با رفتار و گفتار خود الگویی برای احترام باشند و با ایجاد فضایی از محبت، صمیمیت و توجه، به فرزندان خود ارزش های احترام و قدردانی را آموزش دهند. در این میان، استفاده از منابع آموزشی مانند کتاب ها، داستان ها و آموزه های دینی می تواند به والدین کمک کند تا این ارزش ها را به شکل مؤثری در فرزندان خود نهادینه کنند. در نهایت، با پرورش احترام در کودکان، نه تنها روابط خانوادگی مستحکم تر می شود، بلکه آینده ای بهتر و جامعه ای متعادل تر برای نسل های آینده رقم خواهد خورد.

5-3: پرهیز از تکبر و غرور و خودپسندی:

با بی اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد.^{۴۰} "تصعر" از ماده "صعر" در اصل یک نوع بیماری است که به شتر دست می دهد و گردن خود را کج می کند. "مرح" (بر وزن فرح) به معنی غرور و مستی ناشی از نعمت است. "فخور" از ماده "فخر" به معنی کسی است که نسبت به دیگران فخر فروشی می کند (تفاوت مختال و فخور در این است که اولی اشاره به تخیلات کبرآلود ذهنی است، و دومی به اعمال کبر آمیز خارجی است).^{۴۱}

³⁸ طباطبائی، تفسیر المیزان، ج 16، ص 332

³⁹ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 17، صص 40-42

⁴⁰ وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (لقمان، 18)

⁴¹ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 17، ص 54

به این ترتیب لقمان حکیم در اینجا از دو صفت بسیار زشت ناپسند که مایه از هم پاشیدن روابط صمیمانه اجتماعی است اشاره می‌کند؛ یکی تکبر و بی‌اعتنایی، و دیگر غرور و خودپسندی است که هر دو در این جهت مشترکند که انسان را در عالمی از توهم و پندار و خود برتر بینی فرو می‌برند، و رابطه او را از دیگران قطع می‌کنند. مخصوصاً با توجه به ریشه لغوی "صعر" روشن می‌شود که این گونه صفات یک نوع بیماری روانی و اخلاقی است، یک نوع انحراف در تشخیص و تفکر است، و گر نه یک انسان سالم از نظر روح و روان هرگز گرفتار این گونه پندارها و تخیلات نمی‌شود. ناگفته پیداست که منظور "لقمان"، تنها مسأله روی گرداندن از مردم و یا راه رفتن مغرورانه نیست، بلکه منظور مبارزه با تمام مظاهر تکبر و غرور است اما از آن جا که این گونه صفات قبل از هر چیز خود را در حرکات عادی و روزانه نشان می‌دهد، انگشت روی این مظاهر خاص گذارده است.^{۴۲} انسان بر هیچ کس تکبر نکند، که خدای تعالی متکبر را دشمن دارد. و نباید که به هیچ کس به چشم حقارت نگرد.^{۴۳}

6-3: اعتدال و میانه روی:

"در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزین) که زشت‌ترین صداها صدای خران است."^{۴۴}

کلمه "قصد" در هر چیز به معنای حد اعتدال در آن است و کلمه "غض" به طوری که راغب گفته به معنای نقصان در نگاه کردن و صدا کردن است، و بنا به گفته وی غض صوت به معنای آهسته و کوتاه صداگفتن است.^{۴۵} یکی دیگر از مواظظ لقمان (ع) این است که در راه رفتن خود میانه رو باش که علامت تواضع و بزرگواری است. هم چنین کوتاه کن و کم گردان صدای خود را، یعنی در سخن گفتن فریاد کننده و نعره زننده و دراز زبان مباش. به درستی که زشت‌ترین و قبیح‌ترین صداها هر آینه صدای خران است که اولش زفیر و آخرش شهیق است، یعنی در بلند کردن صدا فضیلتی نیست بلکه موجب وحشت و دهشت است، زیرا صوت حمار با وجود رفعت، مکروه طبیعت و موجب وحشت می‌باشد. در تشبیه رافع صوت به حمار، مبالغه شدیدی در مذمت و تهجین صدای بلند است. اشاره بر آن که از مکروهات شدید نزد حق تعالی است. تخصیص انکریت صوت به حمار با آن که بعضی از آواز حیوانات، انکر از صوت اوست، به جهت آن است که آواز او نزد عرب ضرب المثل در کراهت است.^{۴۶}

^{۴۲} همان، ص 55

^{۴۳} غزالی، کیمیای سعادت، ص 318

^{۴۴} وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُصْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (لقمان، 19)

^{۴۵} طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج 16، ص 327

^{۴۶} شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنا عشری، ج 10، ص 350

درست است که راه رفتن مسأله ساده‌ای است، اما همین مسأله ساده می‌تواند بیانگر حالات درونی و اخلاقی و احياناً نشانه شخصیت انسان بوده باشد، چرا که روحيات و خلییات انسان در لابلای اعمال او منعکس می‌شود و گاه یک عمل کوچک حاکی از یک روحیه ریشه‌دار است. و از آن جا که اسلام تمام ابعاد زندگی را مورد توجه قرار داده در این زمینه نیز چیزی را فروگذار نکرده است.^{۴۷}

لقمان در اندرزهایش اشاره‌ای به آداب سخن گفتن کرده است. قرآن درباره‌ی نحوه‌ی سخن گفتن با مردم، دستورهای دارد، از جمله این که با آنان سخنی نرم، ملایم، آسان، استوار، معروف و رسا گفته شود. اگرچه به همه‌ی مردم نمی‌توان احسان کرد، ولی با همه می‌توان خوب سخن گفت. برخورد خوب و گفتار نیکو، نه تنها با مسلمانان، بلکه با همه‌ی مردم لازم است.^{۴۸}

4. تربیت اجتماعی:

مقصود از تربیت اجتماعی، پرورش جنبه‌هایی از شخصیت آدمی است که مربوط به زندگی او در جامعه است تا از این طریق به بهترین شکل، حقوق، وظایف و مسئولیت‌های خود را نسبت به دیگر هم‌نوعان و هم‌کیشان خود بشناسد و آگاهانه و با عشق برای عمل به آن وظایف و مسئولیت‌ها قیام کند. در سوره لقمان به این وظیفه خطیر اشاره شده است:

1-4: امر به معروف و نهی از منکر:

"و امر به معروف و نهی از منکر کن"^{۴۹}

در آیه فوق دستور داده شده که همواره در میان مسلمانان باید امتی باشند که این دو وظیفه بزرگ اجتماعی را انجام دهند: مردم را به نیکی‌ها دعوت کنند، و از بدی‌ها باز دارند. و در پایان آیه تصریح می‌کند که فلاح و رستگاری تنها از این راه ممکن است.

"معروف" در لغت به معنی شناخته شده (از ماده عرف) و "منکر" به معنی ناشناس (از ماده انکار) است. و به این ترتیب کارهای نیک، اموری شناخته شده، و کارهای زشت و ناپسند، اموری ناشناس معرفی شده‌اند.^{۵۰}

⁴⁷ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 17، ص 59

⁴⁸ قرائتی، تفسیر نور، ج 1، ص 149

⁴⁹ وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ (لقمان، 17)

⁵⁰ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 3، ص 35

یک مادر از طریق برقراری روابط درست با فرزند خود، می تواند به راحتی به او بیاموزد که چگونه با دیگران ارتباط درست برقرار کند و به آنها احترام بگذارد و در اجتماع فردی موثر و سازنده باشد. یک مادر موفق با آموزش مهارت های اجتماعی و ارزش های اخلاقی به فرزند خود، او را برای ورود به جامعه ای سالم و پویا آماده می کند.

نتیجه گیری:

تربیت یکی از نیاز های بشر است. قرآن کریم حاوی بزرگترین دستورات و مبانی تربیتی است؛ که خداوند توسط پیامبر برای هدایت و تربیت انسان ها فرستاده است. یکی از سوره هایی که این نکات تربیتی را دربردارد سوره لقمان است. لقمان حکیم ضمن تربیت فرزند خود نکاتی را بیان می کند که حاوی مطالب تربیتی از قبیل توحید، معاد، نماز، صبر، امر به معروف و نهی از منکر، اعتدال و دوری از تکبر و غرور است. مقاله حاضر با هدف استخراج اصول و روش های تربیتی از سوره لقمان انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که این سوره مبارکه، چهار حوزه کلیدی تربیتی را پوشش می دهد: تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی و اجتماعی. برای هر یک از این حوزه ها، زیرشاخه هایی مشخص و تحلیل شده است. اگرچه مخاطب این نصایح فرزند است و از زبان پدری حکیم بیان می شود، اما روح حاکم بر این آموزه ها، جوهره تربیت اصیل دینی را تشکیل می دهد که در هر زمان و مکانی توسط والدین قابل پیاده سازی و الگو برداری است

فهرست منابع:

-قرآن کریم

-ابن فارس، احمد، معجم مقائیس اللغة، تحقیق و ضبط: عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1404 ه. ق

-ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، 1416 ه. ق

-اصفهانی، الراغب، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: عدنان داودی، دمشق، دارالقلم، 1416 ه. ق -

-خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی رحمه الله، 1371

-----، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1378-

-دیلمی، حسن، ارشاد القلوب، رضی، 1412

-رضایی، محمدعلی و دیگران، تفسیر قرآن مهر، قم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، 1388

- غزالی، محمد، کیمیای سعادت، تهران، انتشارات طلوع و انتشارات زرین، چاپ اول، 1361
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، جلد 9، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، 1387
- گوهری، سید اسماعیل، ارزش پدر و مادر در قرآن و روایات، نیایش، جلد دوم، 1373
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت دار احیا التراث العربی، جلد 13
- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، چاپ 19، 1371
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد اول، قم، هیات تحریریه مؤسسه در راه حق، 1377
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد هفدهم، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم 1367
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج 16، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ دوم 1366ش
- -----، تفسیر المیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا،
- ج 20
- صانعی، مهدی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، انتشارات سناباد، 1378
- شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشر، میقات، 1363
- مقالات:
- بافکار، حسین، «شیوه های آموزش و جذب فرزندان به نماز با تاکید بر نقش الگویی والدین»، مجله طوبی، شماره
- 26، 1390
- حسینی، ضیا، «تربیت اخلاقی در سوره لقمان»، تفسیر و علوم قرآن، 1397